



و جوانمردان عالم خواهد بود. متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی بدین شرح است: بسمه تعالی «رسا و شیوا و خوش لفظ و معنا سروده شده است. منظومه ماندگاری خواهد شد ان‌شاء‌الله. این قریحه و این توفیق را به آقای افشین علا تبریک می‌گویم.»

تقریظ رهبر معظم انقلاب بر منظومه قاسم سلیمانی



ستون

افشین علا از نوشتن تقریظ رهبر انقلاب بر سروده جدیدش با عنوان «منظومه قاسم سلیمانی» خبر داد. این شاعر و ترانه‌سرا در کانال تلگرامی خود نوشت: تابستان امسال پس از سفری به کرمان و زیارت مزار شهید قاسم سلیمانی، تصمیم گرفتم منظومه‌ای در وصف آن سردار والامقام بسرایم.

جواد طوسی از انتخاب برای اسکار می‌گوید

برای جهانی شدن ابتدا باید اینجایی بود



فرهنگی/ سفر «خورشید» به اسکار و بحث پیرامون انتخاب فیلم تازه مجید مجیدی به عنوان نماینده سینمای ایران برای حضور در یکی از مهمترین رویدادهای سینمایی جهان، همچنان داغ است. با جواد طوسی منتقد شناخته شده سینما که در سال‌های ۲۰۰۴ (لاک پشت‌ها پرواز می‌کنند» بهمن قبادی) و ۲۰۱۸ («نفس» ترگس آبیار) جزو هیأت انتخاب بوده، درباره شایستگی فیلم «خورشید»، سلیقه و معیار هیأت انتخاب و بحث و اقبال دیگر رقبای فیلم مجیدی در ایران، گفت‌وگو کرده‌ایم. با حذف سؤالات مطرح شده، پاسخ‌های جواد طوسی را در ادامه می‌خوانید.

■ مترو معیار هیأت انتخاب

در جامعه سیاست‌زده متر و معیار تابع شرایط مقطعی زمانه است. هر چقدر بر نگاه مستقل تأکید داشته باشیم باز هم چینش و ترکیب اعضا به شکل اجتناب‌ناپذیر رفتارشناسی مرتبط با همان مقطع زمانی را به صورت غیرمستقیم تحمیل می‌کند. فیلم منتخب از نگاه آدم‌هایی که نسبت بیشتری با ذات و زبان سینما دارند، تعریف درستی از هویت ملی دارند و آن را با مصلحت‌اندیشی یا نگاه سیاست‌زده آمیخته و مصادره به مطلوب نمی‌کنند متفاوت از گروهی دیگر است. بر همین اساس و طبق تجربه دوران‌های مختلف برای هیأت انتخاب ایرانی هم نمی‌توان متر و معیار مشخصی تعریف کرد. در دوره‌ای مضمون، در زمانه‌ای ممانسبات‌جهانی مدنظر بوده و گاهی این انتخاب سمت و سوی سیاسی پیدا کرده است. در یک دوره نگاه این بود که فیلمی را انتخاب کنیم که با ما هم‌ایده‌نولوژیک جامعه همخوانی بیشتری دارد اما آیا این مسائل برای آکادمی اسکار مقبول و پذیرفتنی است یا دافعه‌آمیز. انتخاب هوشمندانه یعنی اینکه علاوه بر مؤلفه‌های محفوظ ذات و زبان سینما، قواعد بازی و مناسبات بیرونی را هم در نظر بگیریم و فیلمی انتخاب شود که همخوانی لازم با سیاستگذاری‌های روز رویدادی مثل اسکار را دارد.

■ به شهرام مکری‌ها هم فرصت بدهیم

چه اشکالی دارد که گاهی اوقات با زمانه‌شناسی و درک درست از علایق فعلی اعضای آکادمی اسکار، شالوده‌شکنانه رفتار و پیشنهادهای متفاوت عرضه کنیم. «جنایت بی دقت» شهرام مکری از همین جنس پیشینه‌ها دات است. این فیلم را ندیده‌ام و نگاه مدافعه‌آمیز من بر اساس نظر مثبت غالب منتقدان است که معتقدند «جنایت بی دقت» در تداوم همان تجربه‌اندوزی شهرام مکری است. به خوبی توانسته رویداد تاریخی سرزمینش (واقع‌ه سینما رکس) را به بیان و اجرای مطلوب و متفاوت سینمایی تبدیل کند. این کار هر کسی نیست که بتواند در اجرا، تاریخ را با علایق و عاشقانه‌هایش کولاژ کند و به بیانی خام‌دستانه، تصنعی و دافعه‌آمیز تبدیل نشود. شهرام مکری در همه ساخته‌هایش از «توفان سنجاقک» تا «هجوم» و بخصوص «ماهی و گریه» هوشمندی و توانایی‌های ساختاری را به اثبات رسانده است. فیلمسازی تجربی که در عین حال به دنیای غیرمتعارفش کاملاً اشراف دارد و زبان سینما را خوب می‌شناسد. بد



نیست در فرصت‌های تاریخی این نوع سینما را هم محکمی بزینم تا لااقل در گستره جهانی این آگاهی و وقوف رقم زده شود که در سینمای ایران این نوع فیلم‌ها هم ساخته می‌شود. در عین حال که برای نسل‌های قدیمی‌تر فرصت فراهم می‌کنیم برای نسل جوان مستعد و هوشمند و کاربلدان هم موجبات این فرصت را فراهم کنیم. اگر مسأله، شرط اکران است همین فرصت اکرانی که در اختیار «خورشید» قرار گرفت می‌توانست در اختیار «جنایت بی دقت» هم قرار بگیرد. مگر اینکه پذیرفته باشیم برای اعضای هیأت انتخاب «خورشید» از جاذبه‌های لازم مضمونی و ساختاری برخوردار است.

■ امتیازهای فیلم مجیدی

از سوی دیگر نمی‌توان خوشامدگویی چند ماه اخیر نسبت به «خورشید» در برخی جشنواره‌های معتبر جهانی را نادیده گرفت. حضور فیلم در بخش مسابقه و نیز دریافت جایزه اگر چه در بخش نه چندان اصلی و استمرار حضور در جشنواره‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که فیلم از جاذبه‌های لازم مضمونی و تماتیک و ساختاری برخوردار است. عقبه و پیشینه فیلمساز را هم نمی‌توان نادیده گرفت. «پچه‌های آسمان» در اتفاقی

■ «خورشید» درخشان‌تر از «درخت گردو»

با قاطعیت نمی‌توان گفت بین فیلم «خورشید» و «جنایت بی دقت» کدام فیلم بیشتر می‌تواند با سلیاق و سمت و سوی فعلی اعضای آکادمی اسکار همخوانی بهتری داشته باشد و نیاز به شناخت بیرونی‌تر است که لایه مدنظر هیأت انتخاب بوده است. در بین سه گزینه نهایی «یلد» بدترین گزینه است. تعجب می‌کنم این فیلم چطور در لیست نهایی قرار گرفته است. نگاه صرف ژورنالیستی که نباید ملاک انتخاب یک فیلم در مناسبات جهانی قرار بگیرد. ساختار فیلم بشدت خام‌دستانه و نلویزیونی است. «درخت گردو» اما موضوع (بمباران شیمیایی سردهشت) قابل دفاعی دارد. از نظر مضمون و دستمایه پیام جهانی دارد. اشکال عمده فیلم مهدویان این است که در میانه بیش از حد لحن مستندگونه می‌گیرد و تداخل لحن مستند و داستانی شاید در سلیقه آکادمی اسکار نباشد. چرا که فیلم یکدست نیست. در بین این سه گزینه حتماً فیلم «خورشید» بهترین انتخاب است.

درباره کتاب «پیاده‌روی؛ وسکوت، در زمانه هیاهو»

صدای جهان را قطع و به سکوت پناه ببریم

اودر جای جای کتاب از این مفاهیم حرف می‌زند درباب ملال و بدهدقی، آشفتنگی، اما راه حل آنها را سکوت می‌داند او آرام آرام با سکوت و یازگشت به درون، راه حلی را هم ارائه می‌دهد که شاید حرف اصلی کتاب آنجاست: «پیاده‌روی»، نویسنده نروژی در کتاب نخستش «سکوت در عصر سر و صدا» بیشتر از سکوت نوشته است، اینجا پیاده روی جوهره اصلی مدرن هیاهو و سکوت خواستن و نخواستن است. همه جا هستیم اما گوشه‌ای کز کرده‌ایم، با انبوهی آدم مراده داریم اما متناهی‌هم؛ پر حرف و سخیم ولی تمنای سکوت داریم. به‌تاژگی کتابی ترجمه شده است که نویسنده نروژی آن در نوشته جذاب فلسفی گونه‌اش انسان‌ها را به سکوت دعوت می‌کند. «کتاب پیاده‌روی؛ وسکوت، در زمانه هیاهو» نوشته «ارلینگ کاگه» با ترجمه خوب خانم شادی نیک‌فعت. ارلینگ کاگه (متولد ۱۹۶۳ در نروژ) نویسنده، فیلسوف، حقوقدان و کارآفرینی که خودش را بیش از همه یک جست‌وجو گر می‌داند، آنچنان که در عرض دوسال ماجراجویی با پای پیاده، به دیدار سه نقطه ویژه زمین رفته و آنها را در خلوت و سکوت تجربه کرده است.

در سال ۱۹۹۰، کاگه همراه یکی از دوستانش به قطب شمال رفت؛ حدود دو سال بعد از این سفر، به تنهایی راهی قطب جنوب شد و ۵۰ شبانه‌روز را در تنهایی وسکوت، با سورتمه‌ای که مایحتاج سفرش را در آن گذاشته بود و دنبال خودش می‌کشید، به سر برد. سال ۱۹۹۴ هم راهی اورست شد.



ارلینگ کاگه با سبک خاص نوشتاری اش – جستارنویسی – و بازگویی تجربه‌های کاوش پرسش‌هایی درون گریانه دربارۀ مفاهیم مختلف زندگی خواننده را به تفکر و تأمل دعوت می‌کند تا به درون خود عمیق شود و به درک تازه‌ای برسد. نویسنده در سراسر کتاب به‌دنبال این پرسش‌ها می‌رود که سکوت چیست؟ کجاست؟ چرا اهمیت سکوت از همیشه بیشتر شده؟ کاگه در کتابش به سکوت، شکوه و ابهتی خاص می‌دهد و در عین حال گاهی سکوت، ترس و وحشت خاصی را توصیف می‌کند.

ترسی که او از آن حرف می‌زند تأملی به یک مفهوم دیگر کتاب است: «هراس از بهتر فهمیدن خودمان». کتاب با این دو مفهوم پیش می‌رود سکوت و درنگ در درون یا به عبارتی تنهایی، سطرهای آغازین کتاب با همین مفاهیم شروع می‌شود: «هزاران سال است آدم‌هایی که دور از بقیه زندگی کرده‌اند-راهبانی که بر قله کوه زیسته‌اند، نازکان دنیا، دریانوردان، چوپانان یا مکتشفان که همیشه در سفرند – به این باور رسیده‌اند که کلید اسرار و کشف رموز زندگی در سکوت به دست می‌آید. نکته همینجاست. حسایی دریانوردی می‌کنید، اما در راه برگشت ممکن است بفهمید آنچه در پی‌اش بوده‌اید در درون خودتان است.» او از در جستاری دیگر از این کتاب‌ها را به امید یافتن پاسخ‌های روشن آغاز کند؛ پاسخی برای مسأله تنهایی‌اش، چرایی مرگ، منشأ ملال و دل زدگی... کتاب‌های این مجموعه نسخه‌نمی‌پیچند و سیاهه‌ای از اعمال نیک و بد پیش روی شما نمی‌گذارند؛ بلکه می‌خواهند به فهم بهتر زندگی و پرسش‌ها و تجربه‌هایمان کمک کنند، چراغی بی‌فروزند تا در این اتاق تاریک زندگی و در لحظات دشوار، در کمان از پرسش‌های بی‌پایان انسانی روشن‌تر شود، خواندن این کتاب را از دست ندهید.

ارزنجان می‌گوید: «من منتسب به جریان علویه هستم وبیشتر اجراهای موسیقی‌ام مرتبط با این جریان بوده اما در اجراهایی که با آقای کلهر داشته‌ام تنها بخشی از اجرای این کنسرت از رپرتوار موسیقی علوی‌ها بوده ومابقی قطعات موسیقی غیرشهر آنا تولی (شرق و مرکز) و آناژا مشترک من و آقای کلهر انتخاب شده است. ادبیاتی که در موسیقی علویه به‌کار برده می‌شود عرفانی است وبا ادبیات سایر موسیقی‌های غیرشهری تفاوت

سال‌ها حدود ۵ آلبوم منتشر کرده‌ایم که دو آلبوم آن در آلمان منتشر شده، یک آلبوم در ترکیه و آلبوم دیگری مشابه آن هم در ایران انتشار یافته و در آخربک آلبوم تصویری.» آخرین کنسرت مشترک این دو هنرمند در تهران مربوط به آذرماه سال ۹۵ است که در تالار وحدت برگزار شد و اغلب این اجراها در ایران و ترکیه براساس بداهه نوازی مقام‌های کردی غرب ایران و موسیقی علویه شرق ترکیه بوده است.

برمی‌گردد و این ارتباط وصمیمیت منجر به برگزاری کنسرت‌های مشترک متعددی در این سال‌ها بوده است. ارزنجان در گفت‌وگویی که سال ۹۵ با روزنامه ایران داشته شرح این دوستی و آشنایی را اینگونه بیان کرده:«استاد کلهر علاقه‌مند بود بایک موزنسن خارجی طرچی را آغاز کند وزمانی که به استانبول آمد حدود نیم ساعت باهم ساز زدیم و تصمیم گرفتیم تا پایان فعالیت هنریمان باهمدیگر طرح داشته باشیم و کنسرت برگزار کنیم و در این

به بهانه همنوازی کیهان کلهر و اردال ارزنجان

بداهه‌های عاشقانه بر ای نغمه‌های شرقی

ندا سبحانی خبرنگار

کیهان کلهر آهنگساز و نوازنده شناخته شده موسیقی ایران از برگزاری کنسرتی مشترک با اردال ارزنجان (نوازنده باغلاما اهل کشور ترکیه) خبر داد. کلهر در صفحه شخصی خود اعلام کرد، این کنسرت دهم نوامبر (۲۰ آبان) رأس ساعت ۱۹:۰۰ در سالن فیلارمونی شهراسکوپیۀ پایتخت مقدونه شمالی برگزار می‌شود. آشنایی کیهان کلهر و اردال ارزنجان به سال ۲۰۰۴

